

تکوین و تطوّر خط نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری*

دکتر صداقت جباری**

عضو هیئت علمی گروه گرافیک و عکاسی، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۶/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۹/۳)

چکیده:

خط نستعلیق از حدود قرن دهم هجری قمری تا به امروز مرسوم‌ترین خط خوش در میان ایرانیان است. روایات سنتی، واضع نستعلیق را میرعلی تبریزی از خوشنویسان زمان امیر تیمور دانسته‌اند. اما مطالعات بیشتر نشان می‌دهد که این خط چندین دهه قبل از زمان حیات میرعلی تبریزی شکل گرفته است. خط نستعلیق از بدو تکوین، یعنی نیمه دوم قرن هشتم هجری، مکاتب متعدد و مختلفی را در ایران و سایر ملل اسلامی چون هند، پاکستان، افغانستان و ترکیه پشت سر گذاشته است که برجسته‌ترین و درازمدت‌ترین آنها مکتب میرعماد حسنی، خوشنویس بزرگ زمان صفوی در ایران است. در مقاله حاضر، ابتدا اندکی به تاریخچه خط عربی و خطوط خوش اسلامی پرداخته شده است. سپس از طریق جست‌وجو در منابع کهن دست‌اول و یافتن اطلاعاتی که از تاریخ پیدایش خط نستعلیق در این متون برای ما به جا مانده است، و نیز با بررسی و ارائه نمونه‌هایی از نسخه‌های خطی که در قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری به این خط نوشته شده‌اند، سعی در تعیین عوامل و نحوه شکل‌گیری خط نستعلیق، حوزه‌های جغرافیایی شکل‌گیری و چگونگی رواج آن در دوره‌های بعدی تا زمان میرعماد شده است.

واژه‌های کلیدی:

خوشنویسی اسلامی، خط تعلیق، خط نستعلیق ابتدایی، خط نستعلیق، میرعلی تبریزی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده با عنوان "زیبایی‌شناسی خط میرعماد حسنی و بازتاب آن در تاریخ خوشنویسی ایران" در رشته مطالعات عالی هنر است که به راهنمایی جناب آقای دکتر یعقوب آژند تهیه شده است. بدین وسیله تشکر خود را از راهنمایی‌های ایشان اعلام می‌دارم.

** تلفن و نمابر: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۶۳۰ ، E-mail: sjabbari@ut.ac.ir

مقدمه

زمان امیر تیمور دانسته‌اند (دوغلان، ۱۳۸۳، ۳۱۵؛ سلطانعلی، ۱۳۷۲، ۷۸). اما بررسی نسخه‌های خطی بازمانده از قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری، نشان می‌دهد که خط نستعلیق، چندین دهه قبل از زمان حیات میرعلی تبریزی شکل گرفته‌است. در این جستار کوتاه، نگارنده تلاش کرده‌است تا بر جنبه‌هایی از علل و چگونگی تکوین خط نستعلیق و رواج آن در حوزه تمدن ایرانی- اسلامی نظری بیفکند.

از میان خطوط خوش، خط نستعلیق بدون تردید حاصل ذوق و سلیقه ایرانیان است. این خط به دلیل مقبولیت نزد جامعه ایرانی، از بدو تکوین به سرعت ترویج و گسترش یافت. به گونه‌ای که از حدود قرن دهم هجری اکثر کتابهای فارسی به این خط نوشته شد. زیبایی این خط، در نظر ایرانیان تا حدی است که خط نستعلیق را از دیرباز عروس خطوط اسلامی دانسته‌اند (مجنون رفیقی، ۱۳۷۲، ۱۹۸). روایات سنتی، واضع این خط را میرعلی تبریزی از خوشنویسان

خوشنویسی اسلامی

در میان هنرهای اسلامی، خوشنویسی را می‌توان مهم‌ترین نمونه تجلی روح اسلامی به شمار آورد. خط و کتابت به دلیل حفظ و انتقال کلام الهی، معارف اسلامی و ادبیات، در سراسر قلمرو تمدن اسلامی همواره دارای اهمیت خاصی بوده‌است.

خط عربی، به اجماع محققان مأخوذ از خط نبوی است. خط نبوی نیز خود مشتق از خط آرامی و از گروه خطوط سامی شمالی است (گاور، ۱۳۶۷، ۱۲۱؛ بلاشر، ۱۳۶۳، ۸۹-۹۹؛ Safadi, 1992, 7: 99-1130; Sourdell-Thomine, 1990).

اعراب پیش از ظهور اسلام، در اثر ارتباط با مردم سرزمین حوران و حیره، به ترتیب با دو خط نبوی و سریانی آشنا شدند و هر دو خط را در نوشتن مورد استفاده قرار دادند. خط نبوی منشأ پیدایش خط نسخی یا نسخ^۱ و خط سریانی منشأ پیدایش خط کوفی کهن یا حیری شد^۲ (سهیلی، ۱۳۵۹، پنج؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۷). بعد از ظهور اسلام، تا مدت سه قرن، هر دوی این خطوط در کنار هم به کار می‌رفت (بلاشر، ۱۳۶۳، ۸۹-۹۹؛ آذرنوش، ۱۳۷۴، ۶۹؛ بیانی، ۱۳۵۳، ۲۱). خط نسخ که به آن مستدیر هم گفته شده به دلیل وجود "دور" بیشتر که سرعت و سهولت نگارش را فراهم می‌کند، عمدتاً برای نوشتن مکاتبات، دفاتر و نسخه‌نویسی مورد استفاده قرار گرفت و خط کوفی به جهت پیچیدگی فرم معمولاً برای کتابت مصحف و تزیین ابنیه و اشیا به کار گرفته شد.

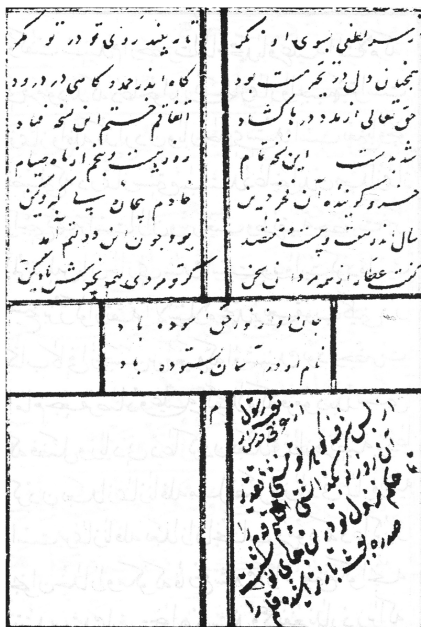
در قرن چهارم هجری قمری، از دو خط مزبور به تدریج شش خط منشعب شد که به "اقلام سته" معروف گردید. این خطوط عبارت بود از: ثلث، محقق، ریحان، نسخ، توقیع و رقاع که هر یک برای کتابتی مخصوص به کار می‌رفت^۳ (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۱). مطابق روایات سنتی، ابوعلی محمد بن علی بن حسین مقله (م ۳۲۸ ق) معیار نگارش حروف را از شیوه زیبایی‌شناسی و اعمال سلیقه فردی، به صورت نگارش بر پایه اصول ثابت و مدون هندسی درآورد و پایه‌گذار قوانین و قواعد هنر خوشنویسی شد^۴ (یوسفی، ۱۳۷۱، ۷، ۸؛ سمسار، ۱۳۸۵، ۳۹۱).

حدود یک قرن بعد، ابوالحسن علی بن هلال البغدادی معروف به ابن بواب (م ۴۲۳ ق) در تکامل بیشتر اقلام سته کوشید (بیانی، ۱۳۴۲، ۷۶۳؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۱۲) و طی قرون بعدی، اساتید بزرگی چون جمال‌الدین یاقوت بن عبدالله مشهور به یاقوت مستعصمی (م ۶۹۶ ق) و شاگردان میرزوی در عرصه خوشنویسی ظهور کردند و هریک به نوبه خود در روند تعالی این خطوط تأثیر گذاشتند (بیانی، ۱۳۴۲، ۶-۷۶۵).

از اواسط قرن هفتم هجری قمری در ایران، با تحولی که در قلم نسخ تحریری، یعنی قلم متداول در نوشتن متون، در اثر تندنویسی به وجود آمده بود، و با الهام از خطوط توقیع و رقاع، رفته‌رفته خطی به نام تعلیق وضع شد که در نوشتن کتب فارسی و دواوین شاعران فارسی‌گو به کار رفت و بعدتر به صورت شکسته، به دلیل زیبایی، برای نوشتن مکاتیب و فرامین مورد استفاده قرار گرفت^۵ (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۱؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۳۸-۴۱). حدود یک قرن بعد از رواج این خط، یعنی در قرن هشتم هجری قمری، از ادغام دو خط تعلیق و نسخ، خط نسخ تعلیق شکل گرفت که بعدتر به دلیل کثرت استعمال به صورت "نستعلیق" اختصار یافت (بیانی، ۱۳۶۳، ۴۴۲؛ Alparsalan, 1990, 1124).

تکوین خط نستعلیق

از نیمه دوم قرن هفتم هجری قمری در ایران، قلم نسخ که خط تحریر معمول آن روزگار بود، به واسطه تندنویسی و تحت تأثیر خط تعلیق، که اغلب کاتبان آن زمان نوشتن آن را می‌دانستند، "دور" بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرد. بعضی از محققین، این اسلوب تازه را در قیاس با قلم نسخ قدیم، نسخ جدید نامیده‌اند (مایل هروی، ۱۳۸۰، ۴-۲۶۳). بسیاری از کتاب‌های فارسی که در قرن هفتم و بعضاً در نیمه اول قرن هشتم به کتابت درآمده‌اند به همین خط نوشته شده‌اند (تصویر ۱).



تصویر ۲- نمونه خط نستعلیق ابتدایی. ترقیمة نسخه منطق الطیر عطار،
مورخ ۷۲۷ ق.
ماخذ: (مایل هروی، ۱۳۸۰)



تصویر ۳- نمونه خط نستعلیق ابتدایی. شاهنامه فردوسی نسخه محفوظ در
موزه ملی پاکستان، مورخ ۷۵۶ ق.
ماخذ: (نصیری، ۱۳۶۹)

بیاض تاج الدین احمد وزیر محفوظ در کتابخانه دانشگاه اصفهان که مجموعه یادداشت های جمعی از علما، فضلا و شاعران شیراز در سال ۷۸۲ هجری قمری است. این نسخه بسیار ارزشمند برای بررسی و مطالعه خطوط متداول در شیراز و چگونگی شکل گیری خط نستعلیق در قرن هشتم کمال اهمیت را دارد. کاتب صفحات ۲ تا



تصویر ۴- نمونه خط نسخ جدید.
ماخذ: (شاهنامه فردوسی، محفوظ در موزه بریتانیا به شماره add, 21103
مورخ ۶۷۵ هجری)

با رواج و اقبال عمومی کاتبان نسبت به قلم نسخ جدید، که سرعت کتابت را فراهم می کرد، کاتبانی که در هر دو خط نسخ و تعلیق مهارت داشتند، دست به تقنین زده و با در نظر داشتن "سطح" در خط نسخ و "دور" در خط تعلیق، بنیان خط دیگری را به نام نسخ تعلیق گذاشتند. این مرحله از خط نستعلیق را نستعلیق ابتدایی یا تحریر می گویند (همو، همان، ۱۹۶؛ بیانی، ۱۳۶۳، ۴۴۳؛ فضائی، ۱۳۵۰، ۴۴۸؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۴۳).

مؤلف کتاب گلستان هنر از قلمی به نام "نسخ تعلیق آمیز" اسم می برد (قاضی احمد، ۱۳۵۹، ۳۷) که ظاهراً همان قلم نسخ جدید است و آن را با در نظر گرفتن اصول خط تعلیق می نوشتند. گمان می رود خط نستعلیق از تحول قلم مذکور که تحت تأثیر خط تعلیق بوده شکل گرفته است.

برخی از کتابهایی که در این دوران به خط نستعلیق ابتدایی کتابت شده عبارتند از: مجموعه رسائل فارسی علاءالدوله سمنانی محفوظ در دارالکتب قاهره به شماره ۱۱- م. مجامیع فارسی "دست خط مؤلف با تاریخهای ۶۸۷، ۷۰۳، ۷۱۳ ق؛ منطق الطیر عطار مورخ ۷۲۷ ق (تصویر ۲) (مایل هروی، ۱۳۸۰، ۲۶۷، ۲۶۸)؛ شاهنامه فردوسی نسخه محفوظ در موزه ملی پاکستان مکتوب به سال ۷۵۶ ق (تصویر ۳) (نصیری، ۱۳۶۹، ۳۸)؛

تطوّر خط نستعلیق

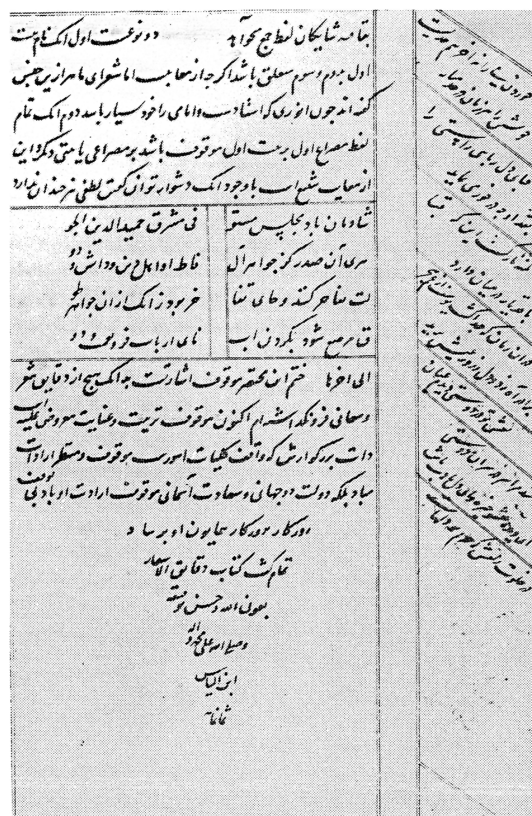
در کنار تحوّل تدریجی قلم نسخ جدید، نکته مهمی که در مطالعه سیر تکوین خط نستعلیق نباید از آن غافل بود تأثیر هنر نگارگری، تذهیب، مینیاتور و ساختن نسخه‌های نفیس و فاخر از دواوین شعرا و منظومه‌هاست. پیشرفت هنر نگارگری و تذهیب و ظرافت فوق‌العاده آن نیازمند خطی بود تا از لحاظ فرم‌های مختلف با آن هماهنگی داشته باشد. احتمالاً یکی از دلایل عمده پیدایش خط نستعلیق سعی در هرچه زیباتر نوشتن اشعار فارسی و آراستن کتاب‌ها بوده است (حصوری، ۱۳۶۲، ۹؛ آژند، ۱۳۸۳، ۲۷). در رساله فوائد الخطوط محمد بخاری، مؤلف به سال ۹۹۵ هجری قمری آمده است: "و بعضی دیگر از متأخرین خط نسخ تعلیق وضع کرده‌اند که او موضع از برای ابیات و اشعار است" (بخاری، ۱۳۷۲، ۳۶۱).

با توجه به اشاره بعضی از رسائل قدیم خوشنویسی و علی‌الخصوص تتبع در نسخ خطی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که خط نستعلیق در آغاز در دو مکتب خوشنویسی شیراز و تبریز شکل گرفت و ظاهراً از همان ابتدا در هرات و بغداد نیز نفوذ کرد.^۷ در کتاب تحفه‌المحبین که دومین متن فارسی در آداب و قواعد خوشنویسی است (تألیف ۸۵۸ ق) و مؤلف آن از خوشنویسان شیراز است آمده: "نسخ تعلیق تبریزی و شیرازی، که طریق تبریزی موضوع خواجه میرعلی تبریزی است و مولانا جعفر تبریزی بایسنغری به نهایت آن موفق گشته. و طریق شیرازی که وضع آن هم از اقلام اهتمام اسانده شیراز در سلک خطوط انحراف یافته و استاد این ضعیف به مرتبه‌ای نازک نوشته که عقل از ادراک چگونگی قلم آن به صد گونه قصور اعتراف می‌نماید. و حضرت استاد محرر این رساله می‌فرمودند که این نوع خط چنان می‌باید نوشت که در هر حرفی هم ملاحظه اصول نسخ کرده باشند و هم رعایت اصول تعلیق" (سراج شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۴۲، ۱۴۳). در رساله‌ای دیگر که به جعفر بایسنغری منسوب است، اطلاعات ارزشمندی درباره شکل‌گیری خط نستعلیق آمده که به جهت اهمیت عیناً در این جا نقل می‌شود: "بباید دانست که نسخ تعلیق اصل او نسخ است، جماعتی شیرازیان در آن تصرف کردند و کاف مسطح و ارسال اذیال سین و لام و نون از او بیرون بردند و سین قوسی و کثرت مدات از خطوط دیگر درآوردند و غث و سمین در او رعایت کردند و آن را خطی دیگر ساختند و نسخ تعلیق نام کردند. مدتی بر آن گذشت بعد از آن تبریزیان در آن طریق که شیرازیان وضع کرده بودند، تصرف کردند و آن را اندک‌اندک نازک می‌ساختند و اصول و قواعد آن وضع می‌کردند تا نوبت به خواجه امیرعلی التبریزی شکرالله سعه رسید و او این خط را به کمال رسانید"^۸ (به نقل از فضائی، ۱۳۶۰، ۲۶۵).

با توجه به همین رساله اخیر می‌توان حدس زد که خط نستعلیق ابتدا در مکتب خوشنویسی شیراز و توسط کاتبان خوش‌ذوق و شعردوست آن دیار شکل گرفت و اندکی بعد در



تصویر ۶- نمونه خط نستعلیق ابتدایی. مثنویات خواجهی کرمانی محفوظ در موزه بریتانیا به خط میرعلی بن الیاس تبریزی، مورخ ۷۹۸ ق.
ماخذ: (سهیلی، ۱۳۵۹)



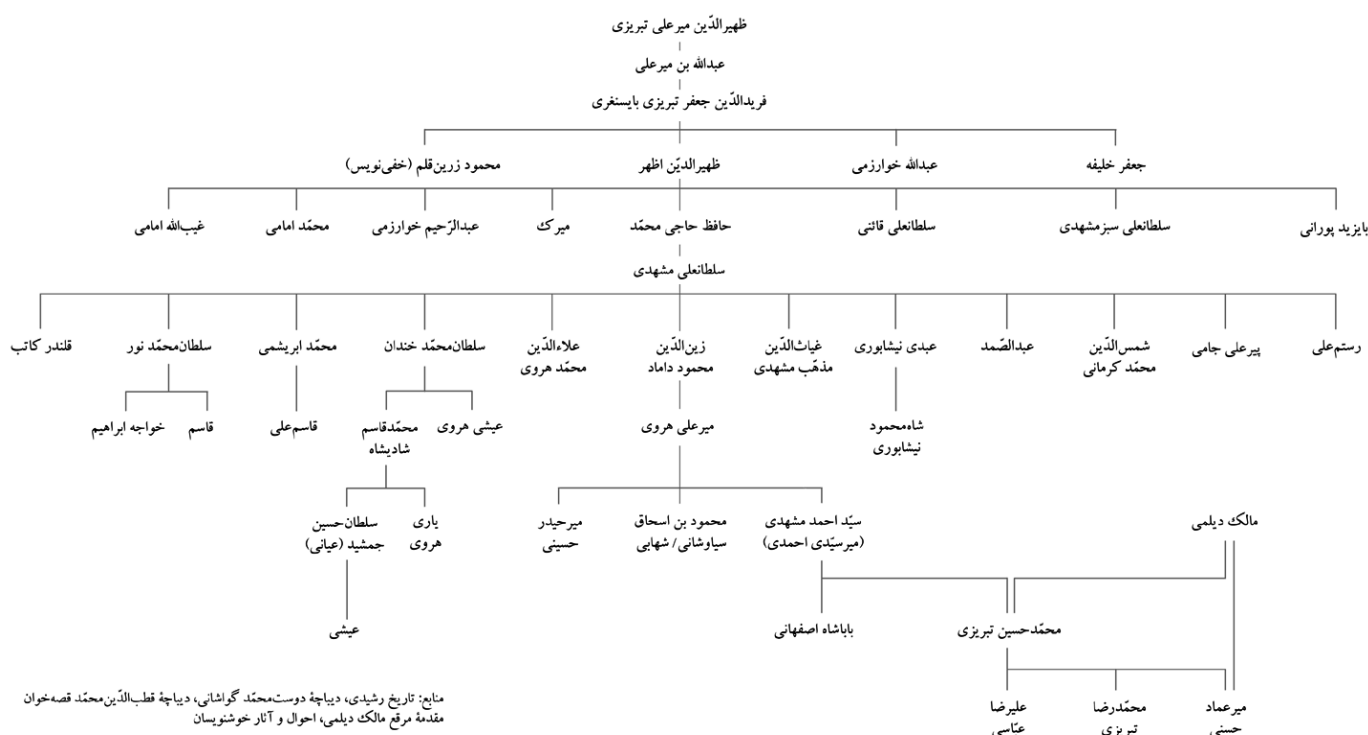
تصویر ۷- نمونه خط نستعلیق ابتدایی. حقائق الحقایق در مجموعه‌ای محفوظ در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۲۸۴۴ به خط میرعلی بن الیاس تبریزی، مورخ ۸۰۰ ق.
ماخذ: (مرعشی، ۱۳۸۳)

تیموری (شاهرخ و فرزندش بایسنغر میرزا) ریختند و همین شیوه بود که مطابق ذوق ایرانیان واقع شد و رواج پیدا کرد (فضائل، ۱۳۵۰، ۴۴۸، ۴۴۹؛ یوسفی، ۱۳۷۱، ۴۳، ۴۴؛ Alparsalan, 1990, 1124). از جمله آثار فاخر این دوران یک نسخه شاهنامه فردوسی معروف به شاهنامه بایسنغری است که به دستور بایسنغر میرزا شاهزاده هنرمند و هنرپرور تیموری (م ۸۲۷ ق) در سال ۸۲۳ ق توسط میرزا جعفر بایسنغری کتابت شد. پس از این ایشان، خط نستعلیق به معروفترین نستعلیق نویس متقدم سلطانعلی مشهدی (م ۹۲۶ ق) رسید. سلطانعلی در طول عمر بلند خود آثار فاخر متعددی به جا گذاشت و شاگردان زیادی تربیت کرد و در واقع مکتب جدیدی را در خط نستعلیق بنیان نهاد. بعد از سلطانعلی مشهورترین خوشنویس نستعلیق میر علی هروی (م ۹۵۱ ق) است که به اجماع صاحبان نظر از آغاز وضع خط نستعلیق تا زمان او، هیچیک از نستعلیق نویسان به مهارت وی در این خط نرسیدند. پس از میرعلی، تا اواخر قرن دهم از میان پیروان و شاگردان او خوشنویسان متعددی پیدا شدند که از آن میان شاه محمود نیشابوری، باباشاه اصفهانی و مالک دیلمی را باید در منتهای زبردستی دانست. مقارن با این ایام خوشنویس دیگری به میدان هنرنمایی آمد که درخشانترین فصل تاریخ خط نستعلیق را رقم زد. میرعماد بن ابراهیم حسنی سیفی قزوینی (م ۱۰۲۴ ق) که از هنرمندان دوران شاه عباس صفوی است، در همان زمان حیات خود شهرت بسیار یافت و آثار او را کلمه به کلمه و سطر به سطر چون ورق زر می خریدند و پادشاهان ایران، هندوستان و عثمانی به داشتن قطعه ای از خطوط وی در کتابخانه خود مباحات می کردند (بیانی، ۱۳۴۲، ۷۶۸) (جدول شماره ۱).

مکتب خوشنویسی تبریز مراحل تکامل را طی کرد و قاعده مند شد، و سرانجام در مکتب خوشنویسی هرات^۹ به دست استادانی چون سلطانعلی مشهدی و میرعلی هروی به اوج شکوفائی رسید. این شکوفائی و ترقی در خراسان و هرات تا بدانجا بود که حدود یک قرن بعد، خطوط خوشنویسان آذربایجان و عراق در نزد خوشنویسان خراسان زیاده اعتباری نداشت و این شیوه خراسانیان را مسلم بود (اسکندری، ۱۳۸۲، ۱، ۱۷۰).

میر علی بن حسن السلطانی تبریزی (م ۸۵۰ ق؟) از خوشنویسان دربار امیر تیمور گورکان و فرزند وی شاهرخ تیموری، نخستین کسی است که نامش به عنوان واضع خط نستعلیق در تواریخ و تذکره ها ذکر شده است. اما چنانچه ذکر آن گذشت، باید دانست که او این خط را اختراع نکرد، بلکه آن را تحت اصول و قواعد درآورد و بدان تشخص بخشید (هفت قلمی، ۱۹۱۰، ۴۲، ۴۳؛ بیانی، ۱۳۶۳، ۴۴۳). چنانچه میان محققین مشهور است، در آغاز ظهور نستعلیق دو شیوه در ایران متداول شد: یکی شیوه عبدالرحمن خوارزمی خوشنویس دربار سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۴-۸۹۴ ق) و پسرانش میرزا عبدالرحیم مشهور به انیسی و میرزا عبدالکریم که به دلیل رواج در مغرب و جنوب ایران به شیوه غربی موسوم شد. در این شیوه که به نام الف چهارنقطه ای هم متداول است، مدات و دوایر بلندتر و بزرگتر از اندازه معمول اما با شکله ای درست نوشته می شد. این شیوه چون مقبول ذوق و سلیقه ایرانیان نیفتاد کم کم متروک شد و فقط آثار آن در نستعلیق افغانستان و هند و پاکستان باقی مانده است. دیگر شیوه شرقی یا خراسانی است که بنیانش را میرزا جعفر بن علی تبریزی بایسنغری (م ۸۶۰ ق؟) و شاگردش اظهر تبریزی (م ۸۸۰ ق؟) از خوشنویسان تبریزی الاصل مکتب هرات و دربار

جدول ۱- جدول زنجیره استاد شاگردی نستعلیق نویسان (از آغاز تا میر عماد).



نتیجه گیری

مکتب میرعماد در خط نستعلیق شکل گرفت و تا حدود سه قرن
تداوم یافت.

در دوره قاجار، خوشنویسان چیره دست و صاحب شیوه‌ای
چون وصال شیرازی و فرزندان، فتحعلی حجاب شیرازی، میر
حسین ترک، میرزا کاظم تهرانی و میرزا غلامرضا اصفهانی به
عرصه ظهور آمدند که امروزه آثار هر یک از ایشان زینت بخش
مجموعه‌ها و موزه‌های دنیا است. با وارد شدن صنعت چاپ سنگی
به ایران و ظهور خوشنویس بزرگ این زمان، میرزا محمد رضا
کلهر، خط نستعلیق وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. مکتب
جدید که حاصل زمان و نبوغ میرزای کلهر بود، توسط شاگردان و
پیروان او چون زین العابدین قزوینی، سید مرتضی برغانی و
محمدحسین سیفی قزوینی ملقب به عماد الکتاب که هر کدام از
خوشنویسان زبردست بودند دنبال گرفته شد و امروزه از طریق
شاگردان ایشان جاری و مرسوم است.

چنانچه ملاحظه شد، نگارنده بر این گمان است که خط
نستعلیق در قرن هشتم هجری، از تحول قلم نسخ تحریری و
تصرف در آن با در نظر داشتن اصول خط تعلیق، شکل گرفت.
ظاهراً خط نستعلیق ابتدا در دو حوزه کتابتی شیراز، و اندکی بعد
در تبریز نضج یافت و به سرعت در هرات و بغداد که از مراکز
بزرگ ادب و هنر در آن زمان بودند مورد توجه قرار گرفت و رواج
پیدا کرد. این خط در حوزه هرات، تحت حمایت دربار هنرپرور
تیموری به اوج شکوفایی رسید و از آنجا در خراسان و سایر نقاط
ایران گسترش پیدا کرد. در زمان حکومت دولت صفوی، خط
نستعلیق با وجود استادان بزرگی چون میرعماد حسنی و علیرضا
عبّاسی مراحل تکامل را پیمود. بعد از درگذشت میر عماد،
شاگردان برجسته‌اش چون عبدالرشید دیلمی، ابوتراب اصفهانی،
عبدالجبار قزوینی، نورالدین لاهیجی، محمد صالح خاتون آبادی و
علاقه‌مندان متعددی از شیوه او پیروی کردند و به این ترتیب

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ این خط از قلم نسخ که از جمله اقلام سته است متفاوت می باشد.
- ۲ نظریه مرسوم دیگر این است که هر دو خط کوفی و نسخ مأخوذ از خط نبطی است. نک: بلاشر، ۱۳۶۳، ۸۹-۹۹. وی دلیل جدا شدن این دو خط را نحوه استعمال و کاربرد متفاوت آنها می داند. همانجا.
- ۳ برای آگاهی بیشتر از اقلام سته نک: فضائلی، ۱۳۵۰؛ همو، ۱۳۶۰.
- ۴ آنچه مسلم است اینکه ابن مقله در تکمیل اقلام موجود کوشیده و به بعضی از آنها سر و صورتی داده ولی نسبت وضع تمام آن اقلام به او جایز نیست. قلقشندی در صبح الاعشی می نویسد: "بسیاری می پندارند اول کس که وضع اقلام کرد ابن مقله وزیر است. و روا نیست. و من به این اقلام خط دیده‌ام که دو قرن قبل از ظهور ابن مقله نوشته شده است. منتهی صورت آن خطوط بی شباهت به خط کوفی نیست"، به نقل از بیانی، ۱۳۴۲، ۷۶۲.
- ۵ نظر دیگری درباره تکوین خط تعلیق وجود دارد مبتنی بر اینکه خط تعلیق مقارن با رواج خط نسخ، توسط حسن بن حسین علی فارسی کاتب در عهد عمادالدوله و عضدالدوله دیلمی از خط نسخ و رقاع و ثلث پدید آمد و بیشتر مراسلات به آن خط نوشته شد. نک: سهیلی، ۱۳۵۹، دوازده، سیزده.
- ۶ برای آگاهی بیشتر از ارزشهای این مجموعه کم مانند نک: افشار، ۱۳۸۳.
- ۷ نک عقب‌تر: نسخه عجائب المخلوقات مورخ ۷۹۰ ق به خط احمد هروی، نیز نسخه مثنویات خواجوی کرمانی مورخ ۷۹۸ ق مکتوب در بغداد.
- ۸ قس: سبزواری، ۱۳۷۲، ۱۳۷.
- ۹ برای آگاهی بیشتر از مکتب خوشنویسی هرات نک: آژند، ۱۳۸۳، ۲۴-۳۶.
- ۱۰ برای آگاهی از سلسله شاگردی خوشنویسان خط نستعلیق نک. شجره مندرج در صفحه ۸۲. لازم به توضیح است که چنین شجره‌ای تنها قادر است تصویری کلی از سلسله شاگردی خوشنویسان ارائه دهد. در این شجره، اختلاف روایات در نظر گرفته نشده است. از طرف دیگر بسیار محتمل است که خوشنویسی نزد چندین استاد تعلیم گرفته باشد که نشان دادن این موضوع در این قبیل شجره‌ها مخاطب را دچار سردرگمی می کند.

فهرست منابع:

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۴)، راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، چ ۲، توس، تهران.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۲)، خوشنویسی در قلمرو مکتب هرات، دوره پیشین هنر، کتاب ماه، ش ۶۹-۷۰.
- اسکندر بیگ ترکمان (۱۳۸۲)، تاریخ عالم آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، چ ۲، امیرکبیر، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۸۲)، جستاری در نسخه‌شناسی بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، نامه بهارستان، ش ۷-۸.
- بخاری، محمد (۱۳۷۲)، فواید الخطوط، در: کتاب آرای در تمدن اسلامی، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- بلاشر، رژی (۱۳۶۲)، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتاش آذرنوش، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- بیاض تاج‌الدین احمد وزیر (۱۳۵۳)، چاپ عکسی از نسخه خطی، به کوشش ایرج افشار، مرتضی تیموری، اصفهان.
- بیانی، مهدی (۱۳۴۲)، تاریخ خط، ایرانشهر، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران.
- بیانی، مهدی (۱۳۵۳)، کتابشناسی کتابهای خطی، به کوشش حسین محبوبی اردکانی، انجمن آثار ملی، تهران.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان، چ ۲، علمی، تهران.
- حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۶)، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- حصوری، علی (۱۳۶۲)، مجموع پریشانی، جانزاده، تهران.
- دوغلان، میرزا محمدحیدر (۱۳۸۳)، تاریخ رشیدی، به کوشش عباسقلی غفاری فرد، میراث مکتوب، تهران.
- سبزواری، فتح‌الله (۱۳۷۲)، اصول و قواعد خطوط سته، در: کتاب آرای در تمدن اسلامی، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- سراج شیرازی، یعقوب بن حسن (۱۳۷۶)، تحفة المحبین، به کوشش کرامت رعناحسینی و ایرج افشار، نقطه و میراث مکتوب، تهران.
- سلطانعلی مشهدی (۱۳۷۲)، صراط السطور، در: کتاب آرای در تمدن اسلامی، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- سهیلی، احمد (۱۳۵۹)، مقدمه کتاب گلستان هنر، تألیف قاضی احمد قمی، منوچهری، تهران، چ ۲.
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۵۰)، اطلس خط، انجمن آثار ملی اصفهان، اصفهان.
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۶۰)، تعلیم خط، سروش، تهران.
- قاضی احمد قمی (۱۳۵۹)، گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، منوچهری، تهران، چ ۲.
- گاور، آلبرتین (۱۳۶۷)، تاریخ خط، ترجمه عباس مخبر، کورش صفوی، نشر مرکز، تهران.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- مجنون رفیقی (۱۳۷۲)، سواد الخط، در: کتاب آرای در تمدن اسلامی، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۸۰)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۳۰، کتابخانه مرعشی، قم.
- مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۸۳)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۳۲، کتابخانه مرعشی، قم.
- نصیری، ژیل (۱۳۶۹)، معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- نیساری، سلیم (۱۳۸۰)، نسخه‌های خطی حافظ (سده نهم)، مرکز حافظ‌شناسی، شیراز.
- هفت‌قلمی دهلوی، مولانا محمد (۱۹۱۰)، تذکره خوشنویسان، به تصحیح محمد هدایت ۱۳۷۷، کلکته، روزنه، تهران.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۱)، خط و خطاطی، در: تاریخ و فرهنگ، علمی، تهران.

Alparslan, Ali(1990), Khatt, In Persia, in: Encyclopedia of Islam, Leiden, 2nd edition, 1990, Vol 4.

Safadi, Yasin Hamid(1992), Islamic Calligraphy, New York.

Sourdel-Thomine, J(1990), Khatt, In The Arab World, in: Encyclopedia of Islam, Leiden, 2nd edition, Vol 4.